



شرح و بررسی ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی

علیرضا آقاسی

کارشناس حقوقی

طبق ماده (۱۰۳۵) ق.م. «وعده‌ی ازدواج ایجاد علقه‌ی زوجیت نمی‌کند اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده، پرداخته شده باشد. بنابراین، هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌توانند از وصلت امتناع کنند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه‌ی خسارتی نماید.»

خانواده اولین اجتماع کوچکی است که فرد به صورت غیرانتخابی (تولد) به آن وارد می‌شود. این محیط که سازنده‌ی شخصیت فرد برای ورود به اجتماع انسان هاست باید به نحوی تشکیل و سازمان یابد که بتواند به نحو شایسته به این مهم دست یابد.

در مسائل مربوط به حقوق خانواده قبل از ورود به دیدگاه‌های خشن و انعطاف ناپذیر قانونی ابتدا باید از لحاظ عاطفی و معنوی رفع مشکل کرد و در نهایت اگر این راه حل‌ها جوابگو نبود باید به سراغ قوانین رفت. امروزه شاید مسأله مهم تربیت

فرزندان برای آینده کم‌تر در محیط خانواده توجه گردد. تصدیق‌کننده‌ی این مطلب آمار بالای طلاق در دادگاه‌های دادگستری است. اگر کسانی که عنوان پدر و مادر بر آن‌ها اطلاق می‌شود به فکر آینده‌ی فرزندان خود نباشند چگونه می‌توان از اجتماع چنین انتظاری داشت.

این اهمیت برای هر جامعه‌ای از جمله ایران واضح است که خانواده به عنوان رکنی بسیار مهم و ضروری، باید با قوانین حمایتی مورد توجه قرار گیرد. به خاطر آثار مهمی که نکاح دارد قانون‌گذار قواعدی را پیرامون آن مطرح نموده که محل تأمل است؛ یکی از این احکام خاص، ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی است که وعده‌ی نکاح را الزام‌آور نمی‌داند. در سایر عقود ما شاهد این هستیم که وقتی یک طرف به تعهد خود عمل نمی‌کند طرف مقابل می‌تواند اجبار او را از حاکم بخواهد. بررسی این گونه موارد آشکار می‌سازد که در آن تعهدات بحثی از معنویات و عاطفه در میان نیست یا به عبارتی شخصیت طرف علت عمده عقد نیست.

مثال شایع قولنامه ایی است که بین افراد بسته می‌شود و پس از مدتی متعهدله از دادگاه الزام به انتقال ملک را مطالبه می‌کند.

اما نکاح که باعث تشکیل خانواده می‌شود با توجه به این که رکن اصلی در خانواده وجود محبت بین زوجین است هرگز نمی‌تواند با اعمال زور به وجود آید، چه بسیار ازدواج‌هایی که با صمیمیت آغاز شد و با نفرت و طلاق به پایان رسید فلذا می‌توان از قیاس الویت استفاده کرد و گفت ازدواج‌هایی که با مهر و محبت آغاز شدند بعضاً با نفرت و طلاق به پایان رسیدند پس چه برسد به ازدواج‌هایی که با نفرت و به زور قانون ایجاد شوند.

با مطالعه‌ی ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی سؤالاتی مطرح می‌شود که باید به آن پاسخ داد:

الف) آیا بر هم زدن وعده‌ی ازدواج منجر به ورود هیچ گونه خسارتی نمی‌شود؟

ب) آیا وعده ازدواج مشمول ماده (۱۰) قانون مدنی نیست تا الزام‌آور باشد؟

ج) آیا وجه التزام در این قبیل موارد قابل پیش بینی است یا خیر؟

د) آیا خسارت تأخیر تأدیه در مورد قسمتی یا تمام مهر که تأدیه شده قابل مطالبه است یا خیر؟
ه) آیا این ماده ی قانون مدنی برخلاف اصل (۴۰) قانون اساسی نیست؟

الف) آیا برهم زدن وعده ی ازدواج منجر به ورود هیچ گونه خسارتی نمی شود؟

اگر خسارت را به دو قسمت مادی و معنوی تقسیم کنیم، بحث ما بیشتر پیرامون خسارت معنوی است. قانون گذار در ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی بیان می کند که هر یک از طرفین می توانند از وصلت امتناع کنند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت، مطالبه ی خسارتی نماید.

بیان این ماده سناش هر دو نوع خسارت می شود ولی جنبه ی معنوی آن غلبه دارد. در حال حاضر در جایی به غیر از قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ بحثی از ضرر معنوی دیده نمی شود. در این زمینه می توانیم نظری را قبول کنیم که اعتقاد به نسخ ماده (۱۰۳۵) ق.م. به وسیله ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی را دارد^(۱)؛ چرا که قانون ۱۳۳۹ آخرین اراده ی قانون گذار است.

علاوه بر ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی که اجازه ی مطالبه ی خسارت معنوی را می دهد می توانیم از مواد (۱۰) و (۹) این قانون نیز استفاده کنیم. در ماده (۹) این قانون آمده: «دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیردست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه ی زیان معنوی هم بنماید.»

می توان این طور برداشت کرد که حالت اول یعنی اعمال حیله می تواند حالتی باشد که پسر با اعمال حیله دختر را راضی به همخوابگی با خود بکند به خاطر این که در آینده با هم ازدواج خواهند کرد.

ماده (۱۰) قانون مسئولیت مدنی چنین اشعار می دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و



■ کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به فسارت مالی، مکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج مکم درجراید و امثال آن نماید

معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.»

در بسیاری از موارد وقتی وعده ی ازدواج ایجاد می شود که عرف آن را نامزدی می نامند دختر و پسر با آگاهی والدین یا یکدیگر رابطه دارند و چه بسا در بسیاری از مراسم مشترک بین طرفین هر دو در کنار هم حاضر باشند. این رابطه به هر جهت باعث می شود تا طرز تفکر آشنایان در مورد این دختر یا پسر عوض گشته و آن هارا یکی از خانواده های آینده بدانند. آن چیزی که این دو فرد

را به هم محرم می کند مسلماً صیغه ی عقد نکاح است که در آینده جاری خواهد شد؛ فلذا هر چند در آینده به عقد هم در آیند رابطه ی این دو در این مدت نامزدی از لحاظ فقهی و حقوقی کاملاً نامشروع است.^(۲) با توجه به نکاتی که بیان شد می توان جواب سؤال مطرح شده را این گونه داد که خسارت معنوی مسلماً به هر یک از طرفین میشود و ابستگی معنوی و روحی هر یک از طرفین در دوران نامزدی کاملاً مشخص است.

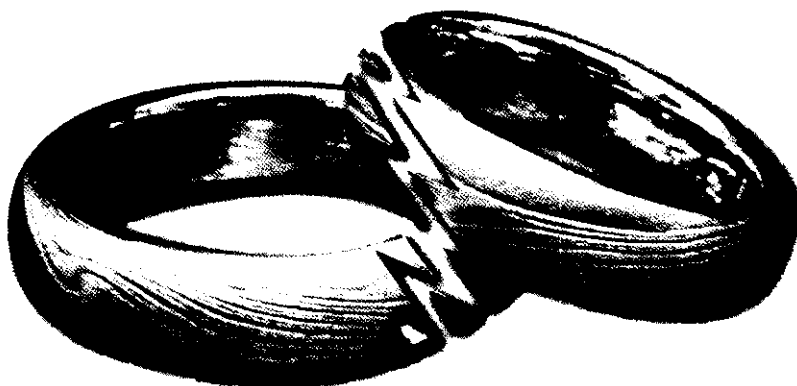
از دیدگاه دیگر این که در تصور نزدیکان و آشنایان (دیدگاه عوام)، نامزدها به نحوی دارای یکی از موانع نکاح می باشند. در حالی که از لحاظ قانونی و حقوقی واضح است که فقط در زوجیت دیگری بودن به موجب عقد، یکی از موانع نکاح است نه این که نامزد دیگری بودن.

البته بحث ضرر معنوی هنوز در نظام حقوقی ایران به صورت مکتوب است و به صورت رویه در محاکم به وجود نیامده است و بیشتر ادله ی اثبات دعوا هم برای اثبات ضرر مادی به کار می رود و در ادله هم رویه ای وجود ندارد.

ب- آیا وعده ی ازدواج مشمول ماده ی (۱۰) قانون مدنی نیست تا الزام آور باشد؟

در این جا در مورد ماده (۱۰) ق.م. حقوق دانان نظرات مختلفی بیان کرده اند: اعلام اراده هیچ التزامی برای نامزدها به بار نمی آورد؛ حتی تعهد صریح آنان الزام آور نیست. اصل حاکمیت اراده در باب نکاح، به خاطر حفظ مبانی خانواده و سلامت آن اجرا نمی شود و ماده (۱۰) نمی تواند مستند الزام متعهد قرار گیرد.^(۳)

البته عده ای هم نظر بر این دارند که باید بحث تعهد به ازدواج را از وعده ی نکاح جدا دانست و



تعهد به ازدواج طبق ماده (۱۰) قانون مدنی و اصل آزادی قراردادها الزام آور است.^(۳) نظر دیگر این تعهد را تعهد یک طرفه می‌جایز و قابل رجوع می‌داند.^(۴)

در نهایت می‌توانیم نظر اول را بپذیریم و این گونه از آن دفاع کنیم که ماده (۱۰) قانون مدنی بحث از قراردادهای خصوصی می‌کند و دامنه‌ی شمول آن، عقود غیر معین را در بر می‌گیرد ولی نکاح جزء عقود معین است و احکام خاصی در مورد آن بیان شده و ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی یکی از احکام خاص است؛ پس این ماده مشمول ماده (۱۰) قانون مدنی نیست که بخواهد الزام آور باشد. این جواب با نظر مقتن در وضع قانون هماهنگی بیشتری دارد.

ج - آیا وجه التزام قابل پیش بینی هست یا خیر؟

در این جا باید طبق سه نظر مطرح شده در قسمت «ب» جواب بدهیم:

نظر اول وعده‌ی ازدواج را الزام آور نمیداند. طبق این نظر وجه التزام قابل مطالبه نیست؛ چرا که وقتی قانون گذار اصل تعهد را الزام آور نمی‌داند نمی‌تواند اجباری برای اجرای اصل تعهد قرار دهد؛ زیرا وجه التزام یکی از راه‌های معنوی اجبار طرف به انجام تعهد است. لذا در ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی خود قانون گذار اجازه می‌دهد که تعهد نقض شود. پس وقتی اصل قرارداد در صورت نقض دارای هیچ گونه ضمانت اجرایی نیست چگونه می‌توان برای اجرای آن وجه التزام پیش بینی کرد؟

طبق این نظر چون اصل قابلیت اجرایی ندارد به تبع آن فرع اجرا نشدنی است.

نظر دوم که ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی را مشمول ماده (۱۰) قانون مدنی و الزام آور می‌داند، مسلماً وجه التزام را قابل پیش بینی و مطالبه می‌داند؛ چرا که اصل وعده‌ی نکاح را الزام آور می‌داند. پس اگر هر یک از طرفین از انجام تعهد شانه خالی کند طرف دیگر می‌تواند وجه التزام پیش بینی شده در قرارداد را مطالبه کند. نظر سوم هم که تعهد را یک طرفه و جایز می‌داند همانند گروه اول وجه التزام را غیر قابل پیش بینی و مطالبه می‌داند.

د) آیا خسارت تأخیر تأدیه در مورد قسمتی یا تمام مهر که تأدیه شده قابل مطالبه است یا خیر؟

از لحاظ قانونی مسلماً وقتی خسارت تأخیر تأدیه تعلق می‌گیرد که فرد آن را به موجب دادخواست یا اظهارنامه مطالبه کرده باشد ولی می‌توان این گونه از ظاهر ماده فهمید که پسر با فرض این که ازدواج می‌کند قسمتی یا تمام مهر را پرداخته و قصد داشته از دینی که در آینده برای او به وجود می‌آمده تبرع حاصل کند. ظاهر این ماده این گونه بیان می‌دارد که از جهت صرف امتناع از وصلت نمی‌تواند موجبات مطالبه‌ی خسارت را فراهم نماید. پس اگر قسمتی از مهر یا تمام آن تأدیه شده باشد باید پس داده شود و این استرداد از باب داراشدن بدون سبب است.^(۵)

پس اگر مرد پس از امتناع از وصلت تمام یا قسمتی از مهر را که پرداخته به موجب دادخواست یا اظهارنامه مطالبه کند در صورت تأخیر زن از استرداد، مرد می‌تواند خسارت تأخیر تأدیه مطالبه کند.

هـ - آیا این ماده از قانون مدنی برخلاف اصل (۴۰) قانون اساسی نیست؟

اصل (۴۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد:

«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

شاید در ابتدا این شانه خالی کردن از وعده‌ی ازدواج یک نوعی سوء استفاده به نظر برسد ولی یکی از حق‌هایی که خود قانون گذار به موجب ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی برای افراد در نظر گرفته و برای این است که طرفین بتوانند بدون پرداخت هیچ گونه خسارتی از وصلت امتناع کنند.

پس حاضر نشدن برای ازدواج با کسی که به او وعده ازدواج داده‌اند، سوء استفاده از حق نیست.^(۶)

بعد از بحث در مورد مسائل مربوط به ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی توضیحی در مورد مقصود قانون گذار لازم می‌آید و آن این است که قانون اجازه می‌دهد دو نفر که نامزد هستند یعنی قراردادی برای ازدواج در آینده را به وجود آورده‌اند، نقض تعهد کرده و بتوانند به راحتی این پیمان

را نادیده بگیرند. می‌توان این ماده را نمونه‌ی صریح قانونی دانست اجازه‌ی عدم رعایت قاعده‌ی افو بالعهد را می‌دهد. این مسأله هم قابل طرح است که تعهد به ازدواج (نامزدی) صرفاً جنبه‌ی تعهد اخلاقی ندارد؛ چرا که کتاب قانون محلی طرح و بحث از اخلاقیات نیست.^(۸)

باید توجه کرد که قانون گذار در بیان این حکم به جنبه‌های منفی بعدی توجه داشته و می‌خواسته جلوی ضرر بزرگ تر را بگیرد؛ به همین دلیل در ابتدا می‌گوید اگر حتی با هم پیمان ازدواج برای آینده را منعقد کردید و در ثانی متوجه شدید که توانایی زندگی کردن با هم را ندارید بهتر است قبل از تشکیل خانواده و به وجود آمدن فرزندان اقدام به جدایی کنید؛ هر چند در این مسیر ضرر معنوی به شما وارد شود. این ضرر قابل رفع است تا این که پس از امتناع یکی از طرفین طرف دیگر اقدام به الزام طرف ممتنع کند و نهایتاً بعد از ازدواج بنیان زندگی با طلاق از هم پاشیده شود.

پس مقصود قانون گذار این است که خانواده براساس اختیار و خواست افراد تشکیل شود و اجباری در تشکیل آن به کسی تحمیل نشود. پس همه‌ی سعی و تلاش بر این بوده که از سلامت و امنیت خانواده دفاع شود و جلوی ازدواج‌های اجباری گرفته شود تا طلاق‌های بعدی به وجود نیاید و آثار ویرانگر طلاق بر فرزندان باز نگردد.

پی نوشت‌ها:

- ۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق خانواده، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۹.
- ۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، انتشارات بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۳۴.
- ۳- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، انتشارات بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۳۵.
- ۴- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، ص ۲۷۱ و ۲۷۰.
- ۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق خانواده، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۸.
- ۶- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق خانواده، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۸ و ۷.
- ۷- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، انتشارات بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۳۹.
- ۸- صفایی، دکتر سید حسن، امامی، و دکتر اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۴ و ۳۳.